

عوامل مؤثر بر شکل‌گیری تعارض‌های فرهنگی فراروی دانشجویان

(مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره))

محمد رحیم عبوضی*

امیر گروسی**

چکیده

دانشگاه، به عنوان یکی از مهمترین نهادهای آموزشی کشور، مولد فرهنگ در جامعه است. فهم درست از فرهنگ و بازتولید آن به عناصر قابل قبول جامعه، دانشجویان را به عنوان یکی از کنشگران اصلی مواجهه فرهنگ غنی اسلامی-ایرانی در مقابل فرهنگ غرب قرار داده است و در این رویارویی، می‌بایست نسبت به حل تعارض‌های موجود در دو فرهنگ انتخاب درستی داشته باشد. بنابراین این پژوهش با هدف شناخت علل تعارض‌های فرهنگی ایجاد شده در دانشجویان با روش کیفی در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی(ره) انجام شده است. روش به‌کاررفته در این مقاله، روش تحلیل مفهومی و قیاسی بوده و در این راستا، با ۱۵ نفر از دانشجویان این دانشگاه، مصاحبه عمیق تا حد اشباع اطلاعات انجام شده است. افزون‌براین، به‌منظور کامل کردن داده‌ها و رسیدن به اهداف پژوهش، با ۷ نفر از نخبگان و استادان دانشگاه نیز مصاحبه شده است. نتیجه این مصاحبه‌ها پس از قیاس با داده‌های پژوهش‌های گوناگون دیگر در این زمینه، در قالب ۸ علت اصلی تعارض فرهنگی در دانشجویان و ۶ راه‌حل رویارویی با این تعارض‌ها (پیشنهاد) ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: دانشگاه، فرهنگ، تعارض فرهنگی، فرهنگ دانشجویی

* استاد علوم سیاسی و مطالعات انقلاب اسلامی، دانشگاه شاهد، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران
Eivazi.daneshjo@yahoo.com

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد مدیریت امور فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده علوم تربیتی، واحد خوراسگان، اصفهان، ایران
Amir_garousi@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۰۷/۲۹

فصلنامه راهبرد اجتماعی- فرهنگی، سال هشتم، شماره سی‌وسوم، زمستان ۱۳۹۸، صص ۸۳-۱۰۸

مقدمه

نخستین آشنایی ایرانیان با اروپا از طریق کارگزاران فرهنگی، دانشجویان، و سیاحان در قرن ۱۹ و دوران مشروطیت، شکل گرفت و فرهنگ ایرانی-اسلامی از این آشنایی تأثیر پذیرفت. موج نخست اعزام ایرانیان از دارالفنون به اروپا، در عصر ناصری و به‌همت امیرکبیر انجام شد. برگشت آفازاده‌های ایرانی تحصیل‌کرده در سرزمین‌های فرنگ، نماهای گوناگونی از خود به‌نمایش گذاشت و مسیرهای اولیه آشنایی با فرهنگ غرب به‌روی ایرانیان باز شد. شاید نشانه‌های نخستین تضادهای فرهنگی ایرانیان با فرهنگ غربی نیز در همین‌جا شکل گرفته باشد. همین رویارویی ایران با غرب در زمینه فرهنگی، عامل اصلی تحولات فرهنگی ایران بوده است. غرب‌زدگی طبقه روشنفکران آن دوران باعث شد، زمزمه‌های ورود فرهنگ غربی همراه با علم غربی و برداشت نادرست از مدرنیته و تجددگرایی در ایران شروع شود. میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله (۱۳۲۶-۱۲۴۹) با اشاره به اینکه مقاومت در مقابل سیل ترقی‌خواهی امکان‌پذیر نیست، می‌گوید: «یا باید به‌حکم مصلحت خودتان و به‌حکم مقتضیات دنیا، بلادرنگ ترقی بکنید و یا باید در زیر ترقی [اروپا] به‌کلی محو شوید» (درخشه، ۱۳۸۸: ۴). آمیختگی فرهنگ غربی با سبک زندگی ایرانیان باعث شد که در رفتارها، نگرش‌ها، آداب‌ورسوم، معماری شهری، اخلاق، ادبیات، و بسیاری از عناصر فرهنگ بومی، تضادهای گوناگونی شکل بگیرد.

پس از انقلاب اسلامی و انقلاب فرهنگی در دانشگاه‌ها، اهمیت قشر دانشجویی، به‌عنوان نقطه کانونی توجه فرهنگی، به‌سبب داشتن دو ویژگی عضویت در جامعه

نخبگانی و جامعه جوان و آینده‌دار کشور، در این مقوله بسیار زیاد بوده است. در واقع، دانشجویان در جامعه، عامل و مولد فرهنگ هستند، به همین علت عوامل مختلفی از جمله، جوان بودن دانشجویان، تأثیرهای رسانه‌ای مدرنیته، و از دست رفتن ایمان به قطعیت و جاودانگی امور (نظریه‌های گفتمانی یا پست‌مدرنیستی)، سبب شکل‌گیری هویتی پیوندی، متشکل از عناصر گوناگونی از گفتمان‌های مختلف سنت (مانند مذهب)، مدرنیته (مانند ملی‌گرایی)، و پست‌مدرنیته (مانند سبک زندگی) و در نتیجه تفاوت قابل توجه دانشجویان با سایر افراد جامعه شده است (صدیق سروستانی، ۱۳۸۸: ۴). مروری بر پژوهش‌های انجام‌شده درباره مقوله هویت فرهنگی در دانشگاه‌ها نشان می‌دهد، بحران‌هایی مانند احساس ناامیدی، از خودبیگانگی فرهنگی و بحران هویت، امید بستن به قدرت‌های بیگانه، تضعیف هویت‌های دینی و ملی، و تمایل به الگوپذیری از خارج از کشور، از جمله آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌های امروز کشور به شمار می‌آیند (محسنی، ۱۳۸۳: ۱۰). وجود وسایل ارتباط جمعی عصر نوین، از قبیل اینترنت، شبکه‌های اجتماعی، ماهواره، و... که در بین دانشجویان کاربرد زیادی دارد— ورود فرهنگ غربی را تسهیل کرده است. این تفاوت‌های فرهنگی، به شدت بر جامعه دانشگاهی کشور تأثیر گذاشته و در نتیجه دچار تغییرات سریع‌تری نسبت به بدنه جامعه شده است. گفتنی است، این جریان تولیدشده در دانشگاه، می‌تواند سمت‌وسوی جامعه را تعیین کند. امام خمینی (ره) می‌فرماید: «از دانشگاه است که می‌شود یک ملتی اصلاح بشود و از دانشگاه است که می‌تواند یک ملتی به تباهی کشیده بشود. این دانشگاه و تربیت دانشگاهی است که جوان‌های ما را یا طرف غرب می‌کشد یا طرف شرق می‌کشد و آن‌ها را از خودشان تهی می‌کند و وجهه آن‌ها را متوجه به غرب و شرق [می‌کند] تا اینکه یا شرق غلبه کند و تمام جهات ایران را و شرق را و تمام بلاد مسلمین را از بین ببرد یا غرب غلبه کند و همه فرهنگ و چیزهای دیگری را از ما بگیرند و به جای آن، یک مغز شرقی یا یک مغز غربی بنشانند و ملت ما را به تباهی بکشند» (صحیفه امام، ج ۱۴: ۴۳۰).

اهمیت فرهنگ در دانشگاه نخست، به دلیل فرهنگی و فرهنگ‌ساز بودن این

نهاد، دوم، به سبب تنوع بسیار بالای مقوله‌های فرهنگی در دانشگاه، و سوم، به این دلیل است که مطالعه پدیده‌های فرهنگی، متضمن بحث‌های روش‌شناختی، معرفت‌شناختی، و فلسفی است که در تلقی ما از ماهیت علم و دانش ریشه دارد (ذوالفقارزاده، ۱۳۹۰: ۴۷). نکته چهارم اینکه، از منظر سازمانی، پیچیدگی‌های ذاتی و ماهیتی دانشگاه بر قواعد مشخص و فرهنگ خاص خود متکی است و از نظر بسیاری از اندیشمندان و نظریه‌پردازان، بسیار پیچیده‌تر از سازمان‌های دیگر است (اصغری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۹).

بررسی موضوع فرهنگ در محیط دانشگاه‌ها، کم‌اهمیت‌تر از فرهنگ جامعه نیست. تحلیل رفتار فرهنگی دانشجویان در رویارویی با عناصر فرهنگی و فرهنگ‌های مختلف، به سبب اجتماع فرهنگ‌های متنوع در دانشگاه، می‌تواند نتایج ارزشمندی در راستای معرفی فرهنگ مناسب در پی داشته باشد. تعارض میان ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی بومی از یک‌سو و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مهاجم غرب از سوی دیگر در دانشگاه‌ها و آثار و پیامدهای این تعارض‌ها برای کشور، سبب ایجاد بحران‌های فرهنگی عمیقی شده است (ابراهیمی، ۱۳۸۶: ۱۰). توجه به نقش دانشگاه و نظام آموزش عالی، به عنوان یکی از صدها نهاد موجود در سطح جامعه در کنش با افراد، به دلیل لزوم توجه به خروجی تربیت‌شده، نیز می‌تواند اهمیت موضوع را دوچندان کند.

۱. تعریف مفاهیم

۱-۱. فرهنگ

فرهنگ، عنصر بسیار مهم و حساسی است که تعریف‌های بسیار زیاد (در حدود ۱۶۵ تعریف) ارائه شده برای آن، نشان‌دهنده اهمیت این مقوله و تلاش‌های معطوف به تعریف و تبیین آن است. براین اساس، دستیابی به یک تعریف عام و قابل‌پذیرش برای همگان، تا حدودی ناممکن است. «فرهنگ، بیشترین کاربرد را در گفت‌وگوهای علمی و بشری به خود اختصاص داده و بنابر نظر لویی دولو «به مرکز برخورد افکار و عقاید تبدیل شده است». از معنای لغوی فرهنگ که ریشه

اوستایی دارد و از دو قسمت «فر» و «هنگ» تشکیل شده است، قسمت نخست، پیشوند و قسمت دوم، به معنای کشیدن و فرهیختن است (آشوری، ۱۳۸۱)؛ بنابراین، فرهنگ، یعنی بالا کشیدن و اعتلا بخشیدن.

تعریفی که تایلر در سال ۱۸۷۱ در کتاب «فرهنگ ابتدایی» ارائه کرده است، به عنوان تعریفی جامع و مانع برای این مفهوم، معروف است: «فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، صنایع، فنون، اخلاق، قوانین، سنن، و درنهایت، تمام عادات، و رفتار و ضوابطی است که فرد به عنوان عضو جامعه، از جامعه خود فرامی‌گیرد و در برابر آن جامعه، وظایف و تعهداتی را به عهده دارد (روح‌الامینی، ۱۳۹۴: ۳۲).

افزون بر این، اندیشمندان ایرانی نیز تعریف‌های را برای فرهنگ ارائه داده‌اند. دکتر شریعتی، فرهنگ را مجموعه ساخته‌ها و اندوخته‌های مادی و معنوی یک قوم یا نژاد خاص در طول تاریخ می‌داند (شریعتی، ۱۳۵۹: ۲۵۷).

امام خمینی (ره) درباره اهمیت فرهنگ می‌گوید: «درباره فرهنگ هرچه گفته شود، کم است. می‌دانید و می‌دانیم اگر انحرافی در فرهنگ یک رژیم پیدا شود و همه ارگان‌ها و مقامات آن رژیم در صراط مستقیم انسانی و الهی پایبند باشند و بر استقلال و آزادی ملت از قیود شیطان عقیده داشته باشند و آن را تعقیب کنند و ملت نیز به تبعیت از اسلام و خواسته‌های ارزنده آن پایبند باشند، دیری نخواهد کشید که انحراف فرهنگی بر همه غلبه کند و همه را خواهی‌نخواهی به انحراف کشاند و نسل آتیه را آن‌چنان کند که انحراف به صورت زیبا و مستقیم را راه نجات بداند و اسلام انحرافی را به جای اسلام حقیقی بپذیرد و بر سر خود و کشور، آن آورد که در طول ستم‌شاهی و خصوصاً پنجاه سال سیاه بر سر کشور آمد» (خمینی، ۱۳۷۸: ۴۲۵).

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد فرهنگ می‌فرماید: «ما فرهنگ را بستر اصلی زندگی انسان می‌دانیم؛ نه فقط بستر اصلی درس خواندن و علم آموختن. فرهنگ هر کشور، بستر اصلی حرکت عمومی آن کشور است. حرکت سیاسی و علمی‌اش هم در بستر فرهنگی است. فرهنگ، یعنی خلیقات و ذاتیات بومی یک جامعه و یک

ملت؛ تفکراتش، ایمانش، آرمان‌هایش، این‌ها تشکیل‌دهنده مبانی فرهنگ یک کشور است. این‌ها است که یک ملت را یا شجاع و غیور و جسور و مستقل می‌کند یا سرافکنده و ذلیل و فرودست و خاک‌نشین و فقیر می‌کند» (خامنه‌ای، ۱۳۸۸: ۵۰).

کمیته برنامه‌ریزی بخش فرهنگ و هنر دولت جمهوری اسلامی ایران در نخستین برنامه پنج‌ساله خود، فرهنگ را کلیت درهم‌تافتۀ باورها، ارزش‌ها و آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب، و اعمال جامعه و مشخص‌کننده ساخت و تحول کیفیت زندگی تعریف کرده است (قلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۶).

فرهنگ، بهترین موازین اخلاقی، اعتقادات مذهبی، تفکر، و آداب‌وسنن را دریافت می‌کند و خود را از آن می‌پرورد. فرهنگ، روش زندگی یک قوم را مشخص می‌کند. چند قوم با مذهب مشترک یا اصول اخلاقی کم‌وبیش مشترک، شیوه زندگی کردن و اندیشیدن مشابهی ندارند، زیرا فرهنگ آن‌ها با هم متفاوت است. درعین حال، فرهنگ، محصول کار گروهی و نتیجه کوشش‌های همگانی قومی در طول دوران‌های متوالی است. به این ترتیب، هر فرهنگ ارزنده‌ای، هزاران و میلیون‌ها خدمتگزار ناشناس داشته است که برای تقویت عشق به خوبی و زیبایی و پیشرفت در گمنامی تلاش کرده‌اند؛ بنابراین، در یک تعریف کلی می‌توان فرهنگ را مجموعه‌ای از باورها و مفروضه‌های اساسی، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری ریشه‌دار و دیرپا و نمادها و مصنوعات به‌شمار آورد که ادراک‌ها، رفتار، و مناسبات جامعه را جهت و شکل می‌دهند و هویت آن را می‌سازند.

در این میان، مفهوم فرهنگ دانشگاهی نیز قابل توجه است. فرهنگ دانشگاهی را الگوی معانی نهفته در صور نمادین، از جمله کنش‌ها، گفته‌ها، و تمام مقوله‌های معناداری می‌دانند که افراد دانشگاهی به کمک آن، با هم ارتباط برقرار می‌کنند و در تجربه‌ها، دریافت‌ها، و باورهای مشترک با یکدیگر سهیم می‌شوند (فاضلی، ۱۳۹۶: ۸۶). گالتونگ بر این نظر است که هر جامعه‌ای، فرهنگ دانشگاهی خاص خود را ایجاد می‌کند، زیرا فرهنگ دانشگاهی، از دل ساختارها و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی آن جامعه بیرون می‌آید (فاضلی، ۱۳۹۶: ۸۶).

در تعریف دیگری از فرهنگ دانشگاهی آمده است: «ارزش‌ها و هنجارهای مورد توافق اجتماع علمی در تمام جهان است که از طریق تبلور در رفتار و کنش عالمان، هویت‌دهنده و موجب تفکیک آنان از بخش‌های دیگر اجتماع می‌شود». این تعریف از فرهنگ دانشگاهی، چند تفاوت عمده با فرهنگ دانشگاهی به مثابه سازمان و همچنین تقسیم‌بندی‌های دیگری دارد که در قالب فرهنگ رشته‌ای، فرهنگ نوع دانشگاه، فرهنگ آموزش عالی، و حتی فرهنگ حرفه دانشگاهی ارائه شده‌اند. در واقع، برخلاف این دیدگاه که فرهنگ دانشگاه می‌تواند به تعداد دانشگاه‌های سراسر جهان (براساس مأموریت و رسالت هر دانشگاه، شرایط و موقعیت جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، و فرهنگی آن) متنوع و دارای تعریف‌های متفاوتی باشد، فرهنگ، فارغ از فضای فیزیکی سازمان مطرح شده و قابل اطلاق به تمام اعضای جامعه علمی در سراسر دنیا، اعم از دانشگاه‌ها و مؤسسه‌های پژوهشی، انجمن‌های علمی، اجتماع‌های رسمی و غیررسمی علمی و حتی حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های وابسته به کلیسا (فارغ از ارزش‌های دینی)، است. از این دیدگاه، دیگر نمی‌توان ادعا کرد که فرهنگ دانشگاهی «الف» با فرهنگ دانشگاهی «ب» متفاوت است، زیرا در مطالعه فرهنگ حاکم بر دانشگاه، به عنوان یک اجتماع علمی، اساساً وجه سازمانی دانشگاه نادیده گرفته می‌شود؛ از این رو، در این دیدگاه، به جای بحث درباره «فرهنگ‌ها» به بحث درباره «فرهنگ» پرداخته می‌شود (اصغری و همکاران، ۱۳۹۷).

۱-۲. تعارض

تعارض، یکی از مفاهیمی است که با زندگی انسان‌ها پیوند خورده و همواره به عنوان یکی از چالش‌های زندگی، نکات مثبت و منفی فراوانی دارد. وجود افراد مختلف در جامعه و در سازمان‌ها، ایجاد پدیده تعارض بین آن‌ها را گریزناپذیر می‌کند. در فرهنگ‌های لغت فارسی، تعارض، به معنای متعارض و مزاحم یکدیگر شدن، با هم مخالفت کردن، و اختلاف داشتن آمده است. این واژه، به صورت‌های گوناگونی معنی، تعبیر، و تفسیر شده است، ولی تعداد زیادی از این تعریف‌ها، وجوه مشترکی دارند. «تعارض، فرایندی است که طی آن شخصی، علایق فرد

دیگری را ناکام گذاشته یا در شرف این کار است» (توماس، به نقل از: محمدزاده و مهرورزان، ۱۳۷۵). در تعریف دیگری از تعارض گفته شده است: «تعارض، فرایندی است که فرد یا گروهی فکر می کند، فرد یا گروه دیگری با علایق، اعتقادات، ارزش ها و ادراک او از واقعیت مخالفت می کند»، یا «به طور کلی، وقتی دو نفر با هم توافق ندارند، تعارض اتفاق می افتد» (دهقانی فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۷). گاهی نیز تعارض در سبک زندگی مدنظر است که در این صورت، به معنای عدم توافق بر سر انتظارات، ارزش ها، و هنجارهای خانوادگی است (فیشر، به نقل از: معیدفر و صبوری، ۱۳۹۰: ۷۲).

تعارض، هنگامی رخ می دهد که افراد یا گروه ها اعمالی را انجام دهند یا به گونه ای رفتار کنند که برای دیگران، قابل تحمل نباشد یا به نوعی رویارویی محسوب شود. از مظاهر این تعارض در سطوح خرد، می توان به تعارض و اختلاف والدین و فرزندان (نحوه لباس پوشیدن، رفتار کردن، و...)، اختلاف بین معلم و شاگرد، در سطوح سازمانی به تعارض میان کارگر و کارفرما، و در سطوح کلان به تعارض های میان کشورها اشاره کرد (معیدفر و صبوری، ۱۳۹۰: ۷۱).

دفت (۱۳۷۸) به سطح اجتماعی و گروهی تعارض توجه داشته است و بر این نظر است که تعارض، نوعی رفتار، بین گروه های سازمانی است؛ البته هنگامی که عده ای خود را متعلق به یک گروه می دانند، چنین می پندارند که سایر گروه ها، مانع رسیدن آن ها به اهداف و مقاصدشان می شوند. در بسیاری از تعریف های ارائه شده برای تعارض، به دو جنبه اساسی اشاره شده است: جنبه روان شناختی تعارض که به تضادهای درونی و جنبه اجتماعی تعارض که به تضادهای میان افراد و گروه ها اشاره دارد. پژوهشگران و نظریه پردازان علوم رفتاری و مدیریت، به اقتضای مباحث مورد نظرشان، هر دو بعد را مبنای پژوهش خود قرار داده اند. تامپسون تعارض را رفتاری می داند که اعضای سازمان در مخالفت با اعضای دیگر انجام می دهند؛ این تعریف هم بر سطح فردی و روان شناختی تعارض تأکید دارد و هم بر سطح اجتماعی و گروهی آن (ایزدی یزدان آبادی، ۱۳۷۹: ۱۵۲).

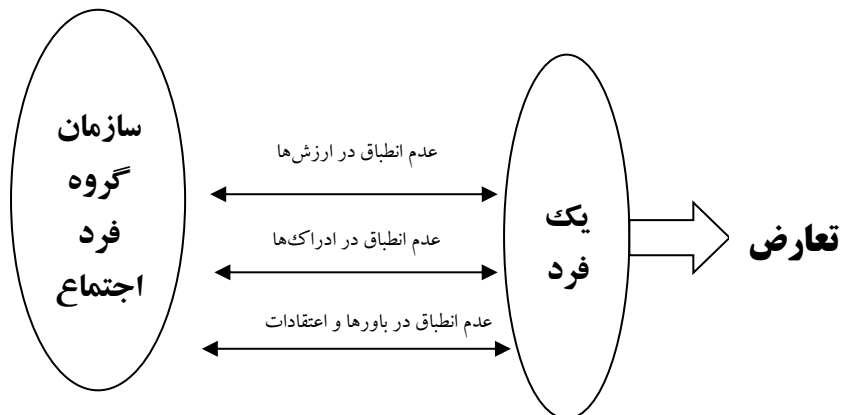
از آنجاکه بحث تعارض در علوم رفتاری مدیریت مطرح می‌شود و اسلام نیز در مورد تربیت افراد و رفتار اشخاص، بسیار حساس است، در مورد تعارض و نتایج آن معتقد است، تعارض، رفتاری دارای پیامدهایی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: مجادله و خصومت، نزاع و کشمکش، نشان دادن رفتارهای ناشایست از قبیل تهمت، دروغ، افتراء، و غیبت (آقایروز، ۱۳۸۵: ۵۱) که اگر این مسائل در جامعه زیاد شود، سبب هرج و مرج یا ناهنجاری خواهد شد.

۳-۱. تعارض فرهنگی

با توجه به تعریف‌هایی که برای دو مفهوم «تعارض» و «فرهنگ» ارائه شد، در تعریف تعارض فرهنگی باید گفت: اگر فردی در مقابل افراد، گروه‌ها، یا سازمان دیگری قرار بگیرد و فرهنگ آن را از مرزهای موردقبول خود، با عقاید و ارزش‌های اجتماعی، در تقابل ببیند، به تعارض فرهنگی دچار شده است. این تعارض‌های فرهنگی ممکن است دلایل مختلفی داشته باشند که برخی از علل آن، درونی است و به نوآوری‌ها و فعالیت‌های افراد درون فرهنگ اجتماعی مربوط می‌شود و برخی از علل، بیرونی است و در نتیجه تأثیرپذیری از فرهنگ‌های دیگر به وجود می‌آید.

بر اساس تعریف بالا، می‌توان الگوی زیر را ترسیم کرد.

الگوی ۱. فرایند شکل‌گیری تعارض فرهنگی



۱-۴. گفتمان‌های فرهنگی

هنگامی که بحث گفتمان فرهنگ دانشجویی مطرح می‌شود، به مجموعه دانشگاهی‌ای اشاره دارد که گفتمان‌ساز باشد و در پاسخ به ابهام‌های هویتی، فرهنگی، تمدنی، و ارزشی عصر جهانی شدن بتواند با گفتمانی برتر به حفظ هویت اصلی و تقویت بنیان‌های فرهنگی جامعه کمک کند. در این عرصه سه نوع گفتمان حاکم است که عبارتند از:

- گفتمان فرهنگ غربی؛
- گفتمان شبه‌روشنفکری تجددگرایی؛
- گفتمان فرهنگی ایرانی-اسلامی؛

فرهنگ دانشگاهی به نظام باورها، انتظارات، و اعمال فرهنگی افراد دانشگاهی گفته می‌شود؛ بر این اساس، *فاضلی* (۱۳۸۲: ۸) مهم‌ترین وجه فرهنگ دانشگاهی را کارکرد هویت‌سازی آن می‌داند.

نگاهی به مجموعه گفتمان‌های مطرح‌شده در فضای فرهنگی کشور، ما را به سوی بررسی حوزه روشنفکری فضای دانشگاهی هدایت می‌کند. شاید محوری‌ترین بحث فرهنگی در این فضای گفتمانی، تأکید بر سنت و تجدد، یا مدرنیته و سنت باشد که محور اصلی تقسیم‌بندی گفتمان‌های شکل‌گرفته در این عرصه، برپایه اسلام‌گرایی و غرب‌گرایی هستند؛ بنابراین، در ادامه به تعریف گفتمان‌های یادشده می‌پردازیم.

۱-۴-۱. گفتمان فرهنگی غرب

نفوذ فرهنگ غرب، به‌ویژه از دوران قاجار به‌بعد، سرچشمه بسیاری از تعارض‌های فرهنگی در جامعه ایران است. این‌گونه تعارض‌ها، چیزی است که غرب (آمریکا و اروپا) کمتر آن را تجربه کرده است. درست است که حتی در این کشورها نیز افزون‌بر تعارض‌های قومی، مذهبی، و نژادی ممکن است بین عناصر فرهنگ سنتی مذهبی گذشته و عناصر فرهنگ نوین (مدرن) تعارض‌هایی وجود داشته باشد، اما این وضع با کشورهایی که دچار غرب‌زدگی شده‌اند، بسیار متفاوت است. میردال (۱۳۶۶) در این‌مورد چنین می‌گوید: در جریان بیداری بزرگ

که پس از پایان جنگ با پایان دوران استعمار و آغاز دوران استقلال ملت‌ها روی داد، در میان قشرهای مختلف جوامع استقلال یافته، آرمان‌ها، آرزوها، و عیالقی شکل گرفت که به لحاظ فرهنگی و اقتصادی، آماده پذیرش منظم و اصولی آنها نبودند. یکی از پیامدهای این وضعیت درهم‌ریختگی و واژگونی توالی تاریخی در توسعه اجتماعی اقتصادی این گونه کشورها بود، که شیوه زندگی مردم آنها، به سبب تعلقشان به قشرهای گوناگون اجتماع، بسیار متفاوت بود و در نتیجه نگرش‌های گوناگونی در مورد جهان داشتند. در واقع، بسیاری از این افراد، در باطن، معتقد به ارزش‌های متناقضی بودند. در کشورهای مغرب‌زمین نیز این گونه اختلاف‌ها وجود دارد، اما در فرایند طولانی همبستگی ملی...، کاهش یافته‌اند (میردال، به نقل از: رحیمی، ۱۳۷۹). فرنس بلیک (۱۳۷۰) بر این نظر است که ویژگی اصلی فرهنگ غرب، گرایش به مکانیکی کردن زندگی انسان و ماهیت آن، تهی کردن انسان از خویشتن است. منظور ما از گفتمان غرب، نه طبیعت جغرافیایی آن، بلکه فلسفه و فرهنگ حاکم بر جوامعی است که برخی از ویژگی‌های آن عبارتند از: اصالت قدرت، اصالت فایده، اصالت زندگی، نظم فکری و عملی، گرایش به تحلیل عقلانی، خودمداری، و اومانیسم (جاودانی شاهدین، ۱۳۸۲: ۹۳)؛ چنین شرایطی ممکن است در جغرافیای شرق یا غرب، حاکم باشد.

۱-۴-۲. گفتمان شبه‌روشنفکری تجددگرایی

جامعه‌شناسان، تجددگرایی و مدرنیسم^۱ را این گونه تعریف کرده‌اند: «تلاش برای هماهنگ کردن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن، ولی چون علم، خودش حرف نمی‌زند، ناچار در اختیار شبه‌روشنفکران قرار می‌گیرد تا به نام آن و در زیر پوشش آن، در راستای زمینه‌سازی برای گسترش نظام کاپیتالیسم^۲ غربی و کشف بازارهای نو برای مصرف کالاهای کارخانه‌های غول‌پیکر اروپا و امریکا، دست به کار شوند (نقوی، ۱۳۷۷: ۴۶).

آشنایی ایرانیان با فرهنگ غربی، سرآغاز گفتمان تجددگرایی و حضور یک

1. Modernism

2. Capitalism

جریان فرهنگی بین فرهنگ غربی و ایرانی بود. در ایران، جریان اقتباس از غرب، به گونه‌ای پراکنده و جسته‌وگریخته، از دوران شاه اسماعیل و شاه عباس صفوی آغاز شد، ولی فرایند منظم غرب‌گرایی، پس از شکست‌های پی‌درپی ایران از روسیه و از زمان فتحعلیشاه قاجار شروع شد و تا مشروطه ادامه یافت. از مشروطه به بعد، مرحله دوم، یعنی دوران غرب‌زدگی آغاز شد (نقوی، ۱۳۷۷: ۵۷).

هنوز هم شرایط گفتمان تجدد در ایران (از منظر مقایسه‌ی شرایط پیش و پس از انقلاب) تفاوت زیادی نکرده است؛ به گونه‌ای که «علی‌رغم گذشت بیش از یک قرن از گفتمان تجدد در ایران، هنوز ماهیت گفتمان مزبور با آنچه در قرن نوزدهم میلادی بوده است، تفاوت اساسی پیدا نکرده است» (آزاد ارمکی، ۱۳۸۰: ۲۴۶).

۱-۴-۳. گفتمان فرهنگی ایرانی-اسلامی

این گفتمان در مقابل گفتمان غرب قرار می‌گیرد. در روزگار ما، تمدن و فرهنگ ایرانی-اسلامی در رویارویی با فرهنگ جدید جهانی قرار گرفته و در نتیجه این رویارویی و مقایسه، امروزه خودآگاهی در مورد هویت فرهنگی مان بیش از هر زمان دیگری ضرورت یافته است، تا از یک سو، در همسازسازی ما با پیشرفت‌های سریع جامعه بشری و فرایند جهانی شدن یاریگرمان باشد و از سوی دیگر، از طریق آن به استعدادهای ذاتی خود، بیشتر پی ببریم و بر اعتمادبه‌نفسمان در فرایند جهانی شدن بیفزاییم (مفتخری، ۱۳۷۹: ۳).

فرهنگ ایرانی، ترکیبی از عناصر مختلف است که در طول تاریخ، درهم‌تنیده شده و به صورت مجموعه یکپارچه‌ای، موجودیت یافته است. عناصر باستانی، عناصر اسلامی، و عناصر ناشی از ورود مدرنیسم به ایران، همگی در این بستر تاریخی، به یکدیگر رسیده و در تعامل با هم، نتیجه و حاصلی به دست داده‌اند که به عنوان فرهنگ ایرانی شناخته می‌شود. این وجود فرهنگی، همواره تحت تأثیر روندها و رویدادهای بزرگ تاریخی بوده است. در حالی که دولت‌های پیش از انقلاب اسلامی در صدد زدودن یا کم‌رنگ کردن عناصر اسلامی از فرهنگ ایرانی بودند، با وقوع انقلاب اسلامی در اواخر قرن بیستم، بعد اسلامی هویت ایرانی تقویت شد. این فرهنگ و گرایش به تقویت عناصر اسلامی آن در شرایطی شکل

گرفته است که جامعه ایران، همچون سایر جوامع، با فرایند قدرتمندی به‌نام جهانی‌شدن روبه‌رو است (قاسمی و طالبی، ۱۳۸۸: ۷۴).

البته ورود اسلام به سرزمین ایران، در برخی موارد، موجب ایجاد چالش میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ ملی ایرانی شد و بعضی از رفتارهای تحقیرآمیز اعراب به این چالش دامن زد، ولی اندیشمندان بزرگ ایرانی با نفی و طرد رفتارهای اعراب و با پذیرش آگاهانه اسلام و تلفیق آن با عناصر سازنده و مثبت فرهنگ ملی، موجب شکل‌گیری فرهنگ ایرانی-اسلامی شدند. «فرهنگ ایرانی-اسلامی» هویت تازه‌ای بود و به‌گونه‌ای در خاک ایران ریشه دواند که دیگر نمی‌توان عناصر فرهنگ ایرانی را از فرهنگ اسلامی جدا کرد و بین آن‌ها تضادی به وجود آورد. این فرهنگ غنی، به‌زودی مرزهای جغرافیایی را یکی پس از دیگری درنوردید و محصولات فرهنگی خویش را به سرزمین‌های هند و چین عرضه کرد (مسعودی‌فر، ۱۳۸۲: ۳۳۲).

امام خمینی در مورد هویت اسلامی-ایرانی می‌فرماید: «اگر مقصود، اخذ و گزینش دستاوردهای تجدد و استفاده از آن‌ها در کنار عناصر هویتی اسلامی و ایرانی باشد، این همان طرح هویتی اسلامی است که در آن با محوریت منطق هویتی اسلام، عناصر هویتی متجدد، گزینش و ادغام می‌شود» (امام خمینی، ۱۳۶۱: ۴۰۶).

بی‌تردید، در سایه استفاده از فرهنگی پویا و حرکت براساس مبانی اسلامی-ایرانی است که تعالی فرهنگ، حاصل می‌شود و پیشرفت، استمرار می‌یابد.

۲. رویارویی دانشجویان با سه گفتمان موجود

دانشگاه و دانشجو، به‌لحاظ تأثیرپذیری فرهنگی و دریافت گفتمان برتر، در مقابل سه گفتمان مطرح‌شده در بالا قرار می‌گیرد. تعارض میان مبانی اساسی سه گفتمان یادشده موجب ایجاد تعارض در فرهنگ دانشجویی شده است. در این عرصه، آموزش عالی در قرن بیست‌ویکم، با چالش‌های زیر روبه‌رو است: سنت و تجدد، هویت، اوقات فراغت، فرهنگ‌های قومی، زبانی و مذهبی، جهانی‌شدن^۱ و تهاجم

فرهنگی، مشارکت‌جویی، جامعه‌پذیری، و اشتغال (صحبت‌لو و میرزامحمدی، ۱۳۸۸: ۱۷).

دانشجویان، به‌عنوان فرهنگ‌سازان جامعه، برای پویا نگه داشتن فرهنگ ایرانی-اسلامی، باید عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و مؤلفه‌های مثبت آن را پس از گزینش، تجزیه و تحلیل کرده، در صورت تناسب با فرهنگ بومی، آن را جذب کنند و به شکل عنصری از فرهنگ خودی درآورند. افزون‌بر موارد بالا، نکته‌ای که در تبادل فرهنگی باید به‌خاطر داشت، این است که تبادل فرهنگی، با تکیه بر نقاط قوت فرهنگ‌ها رخ می‌دهد و روندی آگاهانه دارد (تولیت، ۱۳۸۲: ۱۱۵).

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، از نوع روش پژوهش کیفی و مبتنی بر تحلیل مفهومی به روش قیاسی است. با توجه به اینکه این پژوهش، در پی کشف عوامل و آسیب‌ها بوده و ارتباط نزدیکی با مورد مطالعه دارد، روش کیفی را برگزیده و در این راستا، از روش نمونه‌گیری قضاوتی استفاده کرده است؛ به این ترتیب که از نخستین نمونه دانشجوی شروع شده و تا حد اشباع یعنی ۱۵ دانشجو، ادامه یافته است. نمونه‌گیری از میان تمام دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی روزانه و شبانه (اعم از زن و مرد، ایرانی و غیرایرانی) که تعداد آن‌ها ۴۵۴۰ نفر است، انجام شده است.

۴. یافته‌های پژوهش

پس از بررسی مصاحبه‌های انجام‌شده، ۸ مقوله استخراج شد که تعدادی از واحدهای تحلیل آن (به صورت جمله) در جدول ۱ نشان داده شده است. این مقوله‌ها در قالب عناصر کلیدی مصاحبه‌ها پس از تطبیق با پژوهش‌های مشابه انجام شده- استخراج و نشان داده شده و با ذکر یک نمونه از مصاحبه‌ها، در جدول ۱ ارائه شده‌اند.

جدول ۱. مقوله‌های استخراج شده

ردیف	مقوله تحلیل	واحد تحلیل (جمله)
۱	عدم شناخت دقیق و آگاهانه از هویت دینی	برای من مهم نیست که چه فرهنگی در جامعه قابل قبول است، فقط مهم اینه که اونیه که خوشم میاد را انجام بدم. عامل همین وضعیت بد مالی ما هم همین دینه. الان نگاه کنید تو دنیا فقط مسلمان‌ها هستن که افتادن به جون هم. مطالعه من در زمینه دینی بسیار کم است. بیشتر رمان می‌خونم.
۲	عدم شناخت دقیق و آگاهانه از فرهنگ ایرانی و اسلامی	این مسئله بدحجابی و ارتباط دختر با پسر، الان در جامعه پذیرفته شده و حساسیتی توش وجود نداره و دیگه مشکلی نیست. چرا تهاجم فرهنگی فقط مال کشور ماست. خب این نشون می‌ده هم ما خیلی حساس شدیم و هم فرهنگمون ضعیفه.
۳	عدم توجه مناسب خانواده‌ها به تربیت دینی فرزندان	فکر می‌کنید من از پدر و مادرم چی می‌خوام. جز اینکه منو به کم درک کنند. راستش نسل ما با نسل اونا خیلی متفاوتنه. پدر و مادر من خیلی مذهبین. از اول زندگی تو به زندون، بزرگ شدیم.
۴	نداشتن درک درستی از شرایط جوانان امروزی	بچه مذهبی‌ها اغلب، مطالعه کافی از اسلام نداشتند و عاقبت‌اندیش نیستند و فکر می‌کنند قدرت دست این‌هاست. این به کارشون نیست که! با همه فامیل بریدن، با هیچ کس ارتباط ندارن. خب من اینا رو می‌بینم، حالم از هر چی دینه به هم می‌خوره
۵	عدم تبیین درست ارزش‌ها	اول بذارید بچه‌ها دین خودشونو یاد بگیرن. ببینن مکتبشون چیه بعد بیان با به فرهنگ دیگه آشنا بشن. من هیچ ارتباطی با هیچ کدوم از روحانیون ندارم.
۶	ابهام در جامعه و قوانین	جوونا زیاد براشون مهم نیست، راحت بگم، چیزی که برای جامعه ما خیلی مهمه، ممکنه اگر تغییر پیدا کنه برای جوونا زیاد مهم نباشه. مملکت قانون نداره. هر کس هر کاری دلش می‌خواد می‌کنه. هر دانشگاهی یک رویه‌ای داره. فرهنگی به چیز می‌گه، دانشجویی هم به چیز.
۷	هجمه فرهنگ غربی برای بی‌هویت‌سازی جوانان	فرهنگ غربی، الان تو فکر جوان‌های ما است. الگوی من تو زندگی بیل گیتسه. ما تو خونمون ماهواره استفاده می‌کنیم و هیچ کدوم از فامیلاهای ما شبکه‌های داخلی نمی‌بینند. به نظرم ما باید سنت رو ول کنیم و بریم به سمت مدرن شدن. قطعاً من زندگی مدرن رو بیشتر از اینی که الان هست، دوست دارم.
۸	اندیشه‌های سکولار	به‌نظر من، دانشجویان ما دوست دارن مدرنیته زندگی کنند، آزاد زندگی کنند، یا کلاً سکولار زندگی کنند. عیسی به دین خودش، موسی به دین خودش. باید کشور ما توسط یک متخصص اداره بشه، نه یک روحانی دینی.

۴-۱. دلایل بروز تعارضات فرهنگی

۴-۱-۱. عدم شناخت دقیق و آگاهانه هویت دینی

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد، اطلاعات دانشجویان از دین و مسائل مذهبی، بسیار ضعیف است. نخستین موضوعی که در بررسی فرهنگ ایرانی-اسلامی توجه ما را جلب می‌کند، هویت دینی است. با وقوع انقلاب اسلامی ایران در اواخر قرن

بیستم، بُعد اسلامی هویت ایرانی تقویت شد. افزون بر این، این فرهنگ و گرایش به تقویت عناصر اسلامی آن در شرایطی شکل گرفته است که جامعه ایران، همچون سایر جوامع، با فرایند قدرتمندی به نام جهانی شدن روبه‌رو است (قاسمی و طالبی، ۱۳۸۸: ۷۴). آگاهی دادن به جوانان و نوجوانان و ترغیب آنان به شناخت هویت دینی خویش، بهترین راه برای در امان ماندن از ضربه‌های سخت و مهلک این تهاجم است. نوجوانان و جوانان با روی آوردن به معنویت و تثبیت هویت دینی در روح و روان خود، نه تنها از آسیب‌های فرهنگی مصون خواهند ماند، بلکه جامعه بزرگ اسلامی را نیز در فرهنگ‌سازی دینی، یاری خواهند کرد (نگارش، ۱۳۸۰: ۲۵).

۴-۱-۲. عدم شناخت دقیق و آگاهانه فرهنگ ایرانی-اسلامی

دانشجویان به‌عنوان فرهنگ‌سازان جامعه — به منظور پویا نگه داشتن فرهنگ ایرانی-اسلامی — باید عناصر فرهنگ بیگانه را بررسی و مؤلفه‌های مثبت آن را پس از گزینش، تجزیه و تحلیل و در صورت تناسب با فرهنگ بومی، آن را جذب کنند و به‌شکل عنصری از فرهنگ خودی درآورند. افزون بر این، نکته‌ای که در تبادل فرهنگی باید به‌خاطر داشت، این است که تبادل فرهنگی با تکیه بر نقاط قوت فرهنگ‌ها رخ می‌دهد و روندی آگاهانه دارد (تولیت، ۱۳۸۲: ۱۱۵) در این پژوهش، مشخص شد که عناصر مهم فرهنگ ایرانی-اسلامی که می‌توان با تکیه بر آن‌ها در مقابل فرهنگ‌های بیگانه مقاومت کرد، برای افراد کاملاً مشخص نیست و گویی آن‌ها از فرهنگ خودی، شناختی نداشته و در نتیجه، مشکلات فراوانی در هماهنگ‌سازی آن با وضعیت خود دارند. در مصاحبه‌ها نیز به‌وفور مطالبی مطرح می‌شد که حاکی از عدم شناخت درست فرهنگ ایرانی-اسلامی بود.

۴-۱-۳. عدم توجه مناسب خانواده‌ها به تربیت دینی فرزندان

در این پژوهش مشخص شد که داشتن خانواده خوب و روابط مناسب بین پدر و مادر و فرزندان، یکی از مسائل مهم در راستای عدم تعارض والدین و فرزندان است، زیرا خانواده نخستین بستر تربیتی افراد است و کودک از دوران خردسالی،

تمام ابعاد و عناصر فرهنگ را از خانواده یاد می‌گیرد. زبان، ادبیات، روابط اجتماعی، آشنایی با دین، و... از جمله مواردی هستند که باید در این بستر شکل بگیرند و به همین سبب توجه خانواده‌ها به مسائل دینی، فرهنگی، و اخلاقی بسیار مهم است؛ درحالی‌که مشکلات اقتصادی، عاطفی، و فرهنگی، باعث ایجاد روابط سرد بین افراد خانواده می‌شود و این‌گونه روابط، بر انحراف از مسیر و ایجاد بستر افزایش تعارض‌ها بسیار تأثیرگذار هستند.

تعارض موجود در نظام آموزشی، به‌عنوان یک نهاد مستقل در کنار خانواده که خود از منظر نهادی یک مجموعه فرهنگی به‌شمار می‌آید—تعارضی ساختاری و ماهوی است. خرده‌فرهنگ‌های گوناگونی که در سایه فرهنگ جامعه در خانواده شکل گرفته‌اند، از یک‌سو و فرهنگ دانشگاه به‌عنوان سازمانی زیرمجموعه دولت و نظام با مبانی فرهنگی مستقل، از سوی دیگر، تضاد زیادی را ایجاد کرده است.

درواقع، رابطه دانشگاه و خانواده، رابطه‌ای دوسویه است، زیرا اگر بخواهیم در آینده فرزندان فیزیکدان، شیمیدان، زیست‌شناس، روان‌شناس، و... داشته باشیم، باید ابتدا آن‌ها را در خانه و مدرسه، در قالب فیزیکدان، ریاضیدان، جامعه‌شناس، و انسان‌شناس «نقش دانشگاهی» تربیت کنیم، زیرا در محیط خانواده است که ارزش‌ها و هنجارهای اولیه در ذهن فرزندان شکل می‌گیرد و به‌مرور با ورود به مدرسه، دانشگاه، و جامعه، قوام یافته یا تغییر می‌کند؛ بنابراین، پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده می‌تواند عامل تأثیرگذاری بر نگرش و دیدگاه دانشجویان باشد. براساس همین روابط دانشگاه و خانواده، به‌نظر می‌رسد ممکن است که پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده بر نوع ارزیابی و نگرش‌های دانشجویان در زمینه‌های کارکردهای فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها نیز مؤثر واقع شود (کلدی، ۱۳۸۸: ۸۴).

دانشجویان مورد‌مصاحبه در این پژوهش، از وضعیت روابط خانوادگی خود نیز گله‌مند بودند. داده‌های مصاحبه‌ها حاکی از ارتباط ضعیف مصاحبه‌شوندگان با پدر و مادرشان و بروز برخی از مشکلات در این زمینه است.

۴-۱-۴. عدم درک درست شرایط جوانان امروزی

جوانان امروز، شرایط و ویژگی‌هایی دارند که آن‌ها را از نسل پیشین متمایز کرده است. دانشگاه، خانواده، و جامعه، به‌عنوان نهادهای مرتبط با دانشجوی، باید این شرایط و ویژگی‌ها را بشناسند و متناسب با آن‌ها برنامه‌ریزی کنند؛ به‌عنوان مثال، جوان امروزی در عصر اطلاعات آزاد زندگی می‌کند و به‌همین سبب، برخلاف گذشته، آگاهی یافتن از هر مسئله‌ای برای او به‌راحتی امکان‌پذیر است؛ بنابراین، باید با روش درست و درک احساس‌ها و شرایط او، نیازهای روحی‌اش را برآورده کرد. جوان، در این دوران، در جست‌وجوی کیستی خویشتن و یافتن خود است. اگر در این راستا راهنمایی شود، در فرایند یافتن خود واقعی و اصیل می‌تواند خدا را بیابد و اگر هدایت درستی انجام نشود، به خودفراموشی دچار خواهد شد که نتیجه آن، فراموشی خداوند خواهد بود (نگارش، ۱۳۸۰: ۱۸۶).

در مصاحبه‌ها نیز معلوم شد که نه برنامه‌ریزان شناخت کافی‌ای از موقعیت و وضعیت کنونی جوانان دارند و نه مسئولان رابطه صمیمانه‌ای با این قشر دارند.

۴-۱-۵. عدم تبیین درست ارزش‌ها

ارزش‌ها، باورها، و اعتقادات، عناصر اساسی فرهنگ ما را تشکیل می‌دهند و در فرهنگ اسلامی از جایگاه والایی برخوردارند. یکی از راه‌های تقویت هویت دینی، به‌ویژه برای نسل جوان، تبیین ارزش‌ها است. بدیهی است که این کار باید در قالب حرکتی اصولی، سنجیده، و متناسب با مقتضیات دوران جوانی انجام شود. دنیای جوان به‌اعتقاد همه روان‌شناسان— دنیایی سرشار از عاطفه و احساس است. باید بپذیریم که دین‌گریزی نسل جوان ما، دلایل گوناگونی دارد و تا هنگامی که علت‌های این معلول، برطرف نشود، معلول همچنان باقی خواهد ماند و مانند یک بیماری مسری، تمام افراد جامعه را درگیر کرده و آنان را افسرده و رنجور خواهد کرد. در این صورت، هویت دینی و آثار آن از جامعه —به‌ویژه در میان نسل جوان— رخت بر خواهد بست. یکی از عوامل مؤثر بر مشوش شدن چهره دین نزد قشر جوان و تحصیل‌کرده، وجود خرافاتی است که مانند غبار سیاهی بر روی گوهر دین نشسته است. دانشمندان ژرف‌اندیش ما باید ساحت

قدسی دین را از آلودگی‌ها و خرافات پاکیزه کنند و جوانان را با چهره زیبا و حقیقی دین، آشنا کرده و موجب گرایش آنان به دین شوند (نگارش، ۱۳۸۰: ۱۰۲). دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان در این پژوهش نیز حاکی از تبیین نادرست ارزش‌ها است که یکی از دلایل مهم دین‌گریزی و وجود تعارض فرهنگی به‌شمار می‌آید.

۴-۱-۶. ابهام در جامعه و قوانین

آنچه در قوانین آمده است و آنچه در عمل انجام می‌شود، بسیار مهم است. اگر قانونی را که به نفع ما است، تفسیر به رأی خودمان بکنیم و قانونی را که به ضررمان است، کنار بگذاریم، موجب ابهام در قوانین خواهیم شد. این ابهام، ناشی از تفسیرهایی است که متولیان از قانون و مفاد آن استخراج می‌کنند. یکی از نتایج به‌دست‌آمده در این پژوهش، وجود ابهام در جامعه و قوانین است. محصول اجرای درست قوانین و احترام گذاشتن به آن‌ها، نظم امور خواهد بود. امروز ارتباطات به‌گونه‌ای است که اگر کسی در جایی قوانین را رعایت نکند، به سرعت همه متوجه خواهند شد.

برخورد سلیقه‌ای با قوانین، مشکلات زیادی را در پی خواهد داشت و آن‌گونه که مشخص است، در مورد برخی از مسائل فرهنگی در دانشگاه‌های کشور، سلیقه‌ای عمل می‌شود؛ به‌گونه‌ای که مصاحبه‌شوندگان در مورد این مسئله، اظهار ناراحتی کرده‌اند. مسئله پوشش دانشجویان، امکانات رفاهی، عمل به قوانین آموزشی، و... از این دست موضوعات هستند. یکی از نتایج مهمی که در این پژوهش به‌دست آمد، این بود که دانشجویان، رفتار مسئولان را صادقانه نمی‌دانستند؛ به‌عنوان مثال، گاهی دوگانگی رفتاری در مورد نیازهای صنفی یک دانشجو، سبب بروز حوادث خشونت‌باری شده است یا در برخی موارد، منشأ درگیری‌های دانشجویان با هم، دوگانگی رفتاری مسئولان بوده است. دانشجویان نیز این دوگانگی را بر نمی‌تابند و خواهان صداقت در رفتار مسئولان هستند. اگر مسئولان در رفتار خود و اجرای قوانین تضادی داشته باشند، بی‌تردید این تضاد به تمام جامعه تسری خواهد یافت؛ بنابراین، تثبیت رفتار، بسیار مهم است. مسئولی

که به طور مستقیم با جوانان کار می‌کند، باید حرف و عملش یکسان باشد. دانشجویان، چون دل پاکی دارند و همه چیز را صادقانه می‌بینند، معمولاً دوست دارند رفتار اطرافیانشان — به ویژه کسانی که با آن‌ها ارتباط ویژه‌ای دارند — نیز صادقانه باشد.

۴-۱-۷. هجده فرهنگ غربی برای بی‌هویت‌سازی جوانان

یافته‌های این پژوهش نشان داد که تهاجم فرهنگی، مسئله بسیار مهمی است. برخی از نکته‌هایی که از صحبت‌های مصاحبه‌شوندگان استخراج شد، به وضوح نشان داد که اندیشه‌های غرب در ذهن دانشجویان رسوخ کرده است. آنچه امروز به شکل‌های گوناگونی مانند بی‌اعتنایی به سنت‌ها و آداب و ارزش‌های خودی، بی‌هویتی، گرایش به ابتذال، و... مشاهده می‌شود، در واقع، مبتنی بر مجموعه‌ای از افکار و اندیشه‌های پوچ بیگانه و مادی غرب و برآمده از روحیه جست‌وجوگری جوانان و نسل دانشجویی کشور است. در مصاحبه‌ها، مواردی مانند استفاده از الگوهای غربی، و در برخی موارد، توجه به سبک زندگی غربی بسیار تکرار شد. نتایج پژوهش دیگری که در این مورد انجام شده است نیز این ادعا را ثابت می‌کند که: «تعارض میان ارزش‌ها و سنت‌های فرهنگی بومی از یک‌سو و ارزش‌ها و الگوهای فرهنگی مهاجم غرب از سوی دیگر، در دانشگاه، آثار و پیامدهایی مانند تعارضات فرهنگی برای کشور داشته است» (بقای پور و رمضان‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶۴).

۴-۱-۸. اندیشه‌های سکولار

سکولاریسم، که مبنای فرهنگ غربی است، نخستین نقطه تعارض جدی با مبانی فرهنگ اسلامی-ایرانی است. اگر دین را مبنای فرهنگ خود قرار دهیم، اصول و پایه‌های فرهنگ غرب بر سکولاریسم استوار است. یکی از نتایج روی آوردن به این فرهنگ، کنار گذاشتن دین و استفاده ابزاری از آن به مناسبت‌های مختلف بوده است.

مهم‌ترین عنصر هویت دانشجویی در فرهنگ ایرانی-اسلامی، هویت دینی

است که خود، مؤلفه‌ای از یک واحد بزرگ‌تر، به نام هویت فرهنگی است. در این پژوهش، مشخص شد که دانشجویان ما چنین نگاهی به فرهنگ خود ندارند. اغلب دانشجویان معتقد به سکولاریسم و جدایی دین از مسائل زندگی بودند. تبیین ضعیف دین و مشکلات ناشی از بی‌دینی در جامعه، باعث شده است که بی‌دینی و شخصی فرض کردن دین، در ذهن دانشجویان، بسیار زیبا جلوه کند و حتی عده‌ای از آنان، دین را عامل اصلی برخی از مشکلات و عقب‌ماندگی‌ها می‌دانستند؛ بنابراین، لازم است که دانشگاه‌ها گامی جدی در راستای تبیین فرهنگ اسلامی-ایرانی و دین بردارند تا سکولاریسم در ذهن دانشجویان نقش نبندد. بی‌تردید، مجرای اصلی گسترش اندیشه‌های سکولار، یا به‌بیانی بهتر، اندیشه‌های غربی، کتاب‌های تدریس‌شده در دانشگاه و مدرسانی خواهند بود که در مقابل اندیشه‌های غربی، نه در جایگاه نقد و بررسی، بلکه درصدد بازخوانی و انتقال اندیشه‌ها به دانشجویان تازه‌وارد به دانشگاه هستند.

نتیجه‌گیری

براساس نتایج به‌دست‌آمده از مصاحبه با نخبگان، شش پیشنهاد در مورد شیوه رفتار در برابر این تعارض‌های فرهنگی به شرح زیر قابل‌ارائه است.

- توجه جدی به قابلیت‌های افراد: بر مبنای یافته‌های این پژوهش، لازم است که نظام ما، در راستای درمان جدی تعارض‌های فرهنگی و حرکت به سوی فرهنگ مطلوب، به قابلیت‌های افراد توجه بیشتری داشته باشد. بی‌تردید، زمانی که این قابلیت‌ها کشف و به مسیر درست هدایت شوند، فرهنگ مطلوب شکوفا خواهد شد. گاهی دانشجویان علاقه دارند که خودی نشان داده یا آنچه را نقطه قوت خود می‌دانند، نمایان کنند؛ بنابراین، توجه به قابلیت‌های درونی هر فرد می‌تواند از برخی از کمبودهایی که موجب بروز مشکلات فرهنگی می‌شود، جلوگیری کند؛

- ایجاد آگاهی کامل در مورد دین و فرهنگ از طریق مطالعه و تفکر: آنچه مشخص است، در کشور ما، سرانۀ مطالعه افراد، بسیار پایین‌تر از حد متوسط جهانی است. در این پژوهش به این مسئله توجه شده و معلوم شد که

مصاحبه‌شوندگان نیز مطالعه کمی دارند. مسئله مهم‌تر این است که بسیاری از این دانشجویان، اگر مطالعه‌ای هم دارند، خارج از حوزه مطالعات فرهنگی و دینی است. درگیر شدن دانشجویان با درس‌های کلاسی و استفاده نامناسب از اوقات فراغت، یکی از دلایل محدود بودن میزان مطالعه آنان است؛ این درحالی است که نخبگان مورد‌مصاحبه در پژوهش حاضر، بر مسئله تفکر و مطالعه تأکید فراوانی داشتند؛

● الگوسازی مناسب: بستر فرهنگ در دنیای کنونی، سرشار از نمادها و الگوها است و جریان غربی از مسیر این نمادها و الگوها به جوامع بسیاری راه پیدا کرده است. در این مطالعه، معلوم شد که نداشتن الگوی مناسبی برای رفتار و پیمودن مسیر، می‌تواند ضربه‌های جبران‌ناپذیری به فرهنگ خودی بزند. توجه به الگوسازی، یکی از مهم‌ترین قسمت‌های القای فرهنگ است و جوانان همواره در گرفتن الگو از رفتار، منش، اخلاق، و کردار بزرگان دین و کشور پیشتاز بوده‌اند. در دنیای کنونی نیز که سرشار از نماد است، الگو اهمیت دوچندانی یافته است، ولی القای الگوهای بعضاً تهی از محتوا توسط غرب می‌تواند موجب افزایش تعارض‌های فرهنگی افراد شود؛ بنابراین، لازم است که برای شناسایی و ارائه الگوهای مناسب در کشور، در تمام زمینه‌ها، شتاب کنیم و با شناخت ابعاد مختلف آن الگو، به معرفی درست آن بین جوانان پردازیم، زیرا جوانان، تشنه دریافت الگو هستند.

توجه جدی به الگوسازی هماهنگ با ذائقه ایرانی و اسلامی و معرفی الگوهای مناسب با ذائقه جوانان، مهم‌ترین گام در مسیر هدایت فرهنگی است.

● توجه جدی دانشگاه، استادان و برنامه‌ریزان به مقوله فرهنگ: استادان نخستین الگوهایی هستند که دانشگاه به دانشجویان معرفی می‌کند. تأثیر کلام استاد در دانشجویان بسیار بالا و نیازمند تأمل و توجه جدی است. علاقه دانشجویان به ارتباط با استادان در دانشگاه به‌وضوح دیده می‌شود. اگر استادان، خودشان دست به‌کار شوند و بحث‌ها و مسائل فرهنگی را سرلوحه کار خویش قرار دهند، بی‌تردید، قسمتی از وظایف فرهنگی خود را انجام داده‌اند. توجه به دانشجویان،

ارتباط درست با دانشجوی، و وقت گذاشتن برای دانشجویان، می‌تواند از جمله راهکارهای این موضوع باشد. بسیاری از نخبگان مورد‌مصاحبه نیز بر توجه جدی به فرهنگ تأکید کرده‌اند.

● توجه جدی خانواده‌ها به مسئله تربیت و جامعه‌پذیری: خانواده، نخستین بستر جامعه‌پذیری افراد است و اگر دانشجویان پیش از ورود به دانشگاه، آمادگی قرار گرفتن در مقابل فرهنگ دانشگاهی و حتی شهر دیگری را نداشته باشند، بی‌تردید با تعارض روبه‌رو خواهند شد. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که نیاز به آموزش‌های جامعه‌پذیری توسط خانواده برای ورود به جامعه، نخستین نیاز هر فردی در عرصه اجتماعی شدن است و حتی تربیت که عنصری از فرهنگ است، نخست از خانواده شروع می‌شود؛

● توجه به مبنای توحیدی فرهنگ ایرانی-اسلامی: مطالعه در مورد فرهنگ در این پژوهش نشان داد که مبنای اصلی فرهنگ مطلوب ما، توحید بوده و رسیدن به این منظور، مستلزم کار و تلاش پیوسته در راستای تبیین فرهنگ اسلامی-ایرانی برمبنای توحید است. درحالی‌که دانشجویان به‌اندازه کافی به این موضوع توجه ندارند و آنچه از دین می‌دانند، فاقد مبنایی دقیق و اصولی است؛ ازاین‌رو، هرگاه با یک تعارض در فرهنگ روبه‌رو می‌شوند، به مشکل برمی‌خورند، اما اگر در سایه توحید قرار گیرند و آن را محور رفتار خود قرار دهند، هرچه بر محور توحید باشد را می‌پذیرند و آنچه با آن مخالفت کند را کنار می‌گذارند. عدم شناخت کامل دین، عدم دسترسی مناسب به متون دینی، مشکل در متون دینی آموزشی نظام آموزشی، کاستی‌های معلمان و مربیان دینی، مشکل در تربیت دینی خانواده‌ها، و درست تبیین نکردن متون دینی، از جمله مشکلات در این زمینه هستند.

منابع

- ابراهیمی، سیدابراهیم (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگ در دانشگاه»، *مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، سال یازدهم، شماره چهارم، صص ۱۲۸-۱۰۴.
- آقایروز، علی (۱۳۸۵)، «مدیریت تعارض با رویکرد اسلامی»، *پژوهش‌های مدیریت راهبردی*، شماره ۳۷، صص ۷۰-۴۱.
- آشوری، داریوش (۱۳۸۱)، *تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ*، چاپ دوم، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه.
- آزادارمکی، تقی (۱۳۸۰)، *مدرنیته ایرانی: روشنفکران و پارادایم فکری عقب‌ماندگی در ایران*، تهران: دفتر انتشاراتی اجتماع.
- اصغری، فیروزه؛ غیائی، سعید؛ عباس‌پور، عباس؛ رحیمیان، حمید (۱۳۹۷)، «ضرورت‌های مفهومی و الزامات روشی در مطالعات فرهنگ دانشگاهی»، *مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، شماره ۴۱، صص ۱۶۴-۱۲۹.
- ایزدی یزدان‌آبادی، احمد (۱۳۷۹)، *مدیریت تعارض*، تهران: انتشارات دانشگاه امام حسین(ع).
- بلیک، فرنس (۱۳۷۰)، «ماهیت فرهنگ غرب»، ترجمه حمید غفاری، *فصلنامه نامه فرهنگ*، شماره ۴، صص ۳۸-۴۷.
- بقایی‌پور، کسری؛ رمضان‌نژاد، محبوبه (۱۳۸۶)، «آسیب‌شناسی مهندسی فرهنگی دانشگاه‌ها»، *مجموعه مقالات همایش ملی مهندسی فرهنگی*، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، جلد ۲.
- تولیت، سیدعباس (۱۳۸۲)، «مدیریت دفاع فرهنگی»، *فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی*، شماره ۷ و ۸، صص ۱۳۰-۱۰۷.
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، جلد ۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، جلد ۲۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- _____ (۱۳۷۸)، *صحیفه نور*، جلد ۱۷، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).

- جاودانی شاه‌دین، حمید (۱۳۸۲)، «درآمدی بر شناخت ابعاد تهاجم فرهنگی و نحوه مقابله با آن»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، شماره ۳۵، صص ۸۵-۱۰۹.
- دفت، ریچارد ال (۱۳۷۸)، *تئوری و طراحی سازمان*، ترجمه علی پارسائیان و سیدمحمد اعرابی، تهران: انتشارات دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- درخشه، جلال؛ جهان‌بین، فرزاد (۱۳۸۸)، «بررسی رویکردها در ارتباط با نسبت دین و عناصر مدرنیته در دوره مشروطیت»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۵، صص ۱۰۹-۱۳۸.
- دهقانی فیروزآبادی، حمیده؛ حمیدی، مهرزاد؛ سیف‌پناهی شعبانی، جبار (۱۳۸۹)، «ارتباط پنج بعد شخصیتی و شیوه‌های مقابله با تعارض»، *مجله مدیریت ورزشی*، شماره ۷، صص ۹۲-۷۳.
- ذوالفقارزاده، محمدمهدی؛ امیری، علی‌نقی؛ زارعی متین، حسن (۱۳۹۰)، «کشف (فرهنگ دانشگاه): واکاوی نظری و گونه‌شناختی مطالعات فرهنگ دانشگاهی»، *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، شماره ۹، صص ۹۸-۴۵.
- رحیمی، اکبر (۱۳۷۹)، «سرچشمه‌های تعارض‌های فرهنگی در تاریخ معاصر ایران»، *فصلنامه شورای فرهنگ عمومی*، شماره ۵، صص ۵۳-۴۸.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۴)، *زمینه فرهنگ‌شناسی: تألیفی در انسان‌شناسی فرهنگی مردم‌شناسی*، تهران: انتشارات عطار.
- سپهری، صفورا؛ پاکدامن، شهلا (۱۳۸۹)، «الگوهای ارتباطی خانواده و تعارضات فرزندان و والدین»، *مجله روش‌ها و مدل‌های روانشناختی*، شماره ۲، صص ۹۲-۷۵.
- شریعی، علی (۱۳۷۹)، *مجموعه آثار: بازگشت*، جلد ۴، تهران: انتشارات الهام.
- صحب‌لو، علی؛ میرزاحمدی، محمدحسن (۱۳۸۸)، «جهانی‌شدن و چالش‌های فرهنگ مطلوب دانشجویی در نظام دانشگاهی کشور»، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، شماره ۲، صص ۷۴-۴۷.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله؛ قادری، صلاح‌الدین (۱۳۸۸)، «ابعاد فرهنگی، اجتماعی، سیاسی هویت دانشجویان بر مبنای مؤلفه‌های سنتی و مدرن (به تفکیک دانشگاه محل تحصیل)»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، شماره ۸، صص ۶۴-۳۵.
- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۸۲)، «بررسی تطبیقی فرهنگ دانشگاهی ایران و بریتانیا: مطالعه‌ای انسان‌شناختی بر علل ناکارآمدی آموزش دانشگاهی در ایران»، *فصلنامه نامه انسان‌شناسی*، شماره ۳، صص ۱۳۲-۹۳.
- فاضلی، نعمت‌اله (۱۳۹۶)، *فرهنگ و دانشگاه*، تهران: انتشارات ثالث.
- قاسمی، حاکم؛ طالبی، معصومه (۱۳۸۸)، «فرهنگ ایرانی و جهانی‌شدن؛ فرصت‌ها و چالش‌ها»، *چکیده مقالات نخستین همایش بین‌المللی تحولات ایران و جهان*، به‌کوشش بهرام نوازی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- قلی‌زاده، آذر (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی فرهنگی*، اصفهان: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی

واحد خوراسگان.

عبدالحمید، فرزانه؛ امیریان‌زاده، مژگان (۱۳۹۵)، «آسیب‌شناسی پوشش از دیدگاه دانشجویان دختر و پسر دانشگاه آزاد اسلامی فارس»، *فصلنامه فرهنگ و دانشگاه*، سال ششم، شماره ۴، صص ۶۲۴-۶۰۱.

مسعودی‌فر، جلیل (۱۳۸۲)، «حفظ فرهنگ ایرانی-اسلامی در فرایند جهانی‌شدن»، *مقالات چهاردهمین کنگره دین‌پژوهان کشور با عنوان جهانی‌شدن و دین؛ فرصت‌ها و چالش‌ها*، ویراسته محمد بدیعی، چاپ اول، قم: نشر نمونه.

محسنی، علی‌اکبر (۱۳۸۳)، «آسیب‌های فرهنگی و اجتماعی دانشگاه‌ها»، *دایره‌المعارف آموزش عالی*، زیر نظر نادرقلی قورچیان و همکاران، چاپ اول، جلد اول، تهران: بنیاد دانشنامه فارسی.

معیدفر، سعید؛ صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۹۰)، «تعارض فرزندان با والدین در سبک زندگی»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۷، صص ۹۷-۶۷.

محمدزاده، عباس؛ مهروزان، آرمن (۱۳۷۵)، *رفتار سازمانی (نگرش اقتضایی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.

محمدزاده، علی (۱۳۹۶)، «بررسی آسیب‌های فرهنگی-روان‌شناختی اساسی در بین دانشجویان دختر و پسر»، *فصلنامه فرهنگ در دانشگاه اسلامی*، سال هفتم، شماره ۱، صص ۷۶-۵۵.

محسنی تبریزی، علی‌رضا (۱۳۸۱)، «آسیب‌شناسی بیگانگی اجتماعی-فرهنگی؛ بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران»، *فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، شماره ۲۶، صص ۱۸۲-۱۱۹.

محمودی، سیروس (۱۳۹۶)، «آسیب‌شناسی تربیت دینی دانشجویان از نظر اعضای هیئت علمی و دانشجویان دانشگاه پیام نور»، *فصلنامه مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی*، شماره ۱، صص ۶۲-۴۷.

مفتخری، حسین (۱۳۷۹)، «ضرورت بازشناسی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی»، *فصلنامه تاریخ اسلام*، شماره ۳، صص ۶-۳.

مهدوی، سید محمدصادق (۱۳۸۱)، «آسیب‌شناسی فرهنگی دانشجویان»، *فصلنامه مطالعات جوانان*، شماره ۱ و ۲، صص ۱۲۴-۹۹.

نقوی، علی محمد (۱۳۷۷)، *جامعه‌شناسی غرب‌گرایی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.